



دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده ادبیات، زبانها و تاریخ
گروه تاریخ

رساله جهت اخذ درجه دکتری
در رشته تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

بینش و روش در تاریخنگاری و صاف شیرازی

استاد راهنما:

دکتر مهدی فرهانی منفرد

استادان مشاور:

دکتر الهیار خلعتبری

دکتر اسماعیل حسن زاده

دانشجو:

محبوبه شرفی

تیر ماه ۱۳۸۸

تقدیر و تشکر

سپاس وستایش خدای را که بار دیگر توفیق پیدا و پنهانش، یاری ام نمود و راهی بس نیک و ارزشمند فرا رویم قرار داد.

برخود لازم می دانم سپاس و قدردانی خویش را از استادان محترم، جناب آقای دکتر مهدی فرهانی منفرد که قبول زحمت راهنمایی این رساله را برعهده گرفته و در این مسیر پرفراز و نشیب در کنار من بودند و جناب آقای دکتر اللهیار خلعتبری و جناب آقای دکتر اسماعیل حسن زاده در مقام استادان مشاور که زمان بسیاری را صبورانه به مطالعه این پژوهش و ارائه راهنمایی های ارزنده گذراندند، تقدیم حضورشان کنم. بدیهی است هیچ واژه ای نمی تواند محمل تقدیر از بزرگان آسمانیم باشد.

از استاد محترم سرکار خانم دکترمشکین فام به سبب کنترل نهایی عبارات عربی این رساله کمال تشکر را دارم و نیز از دوستان عزیزم سرکار خانم منصوره کریمی و لیلا اشرفی که در تایپ و تنظیم این پژوهش مرا مورد یاری خویش قرار داده اند تشکر می نمایم.

در پایان خانواده و همسر بزرگوام را می ستایم که صبورانه تا رسیدن به این مرحله مرا همراهی و حمایت کردند.

چکیده:

کتاب تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار، مشهور به تاریخ و صاف، تألیف عبدالله شیرازی، ملقب به و صاف الحضرة، یکی از مهم ترین متون تاریخنگاری ایرانی است. این نوشتار می کوشد با شناخت بینش تاریخی مؤلف، از طریق بررسی شاخصه هایی چون (۱) بینش معرفت شناسانه؛ (۲) بینش شریعت مدارانه؛ (۳) بینش هویت گرایانه؛ (۴) بینش علی و نگرش انتقادی؛ (۵) بینش اجتماعی، چگونگی بازتاب این بینش را در تاریخنگاری وی بازجسته و تأثیر آن در روش تاریخنگاری او تحلیل کند. برای تحقق این هدف، پرسشی چنین مطرح است: بینش تاریخی و صاف بر روش تاریخنگاری وی چه تأثیری داشته است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه زیر ارائه شده است: بینش تاریخی و صاف بر روش تاریخنگاری او تأثیر داشته و سبب اتخاذ روش علی، انتقادی بر پایه بی طرفی تاریخی از سوی وی شده و تاریخنگاری وی را از واقعه نگاری به سطحی نزدیک به آن چه که امروز تاریخنگاری علمی خوانده می شود، ارتقا داده است.

و صاف به علم بودن تاریخ باور داشته، برای آن موضوع و روش قائل بوده و در روش تاریخنگاری خود به دو رویکرد انتقادی و علی توجه داشته و کوشیده است با نزدیک شدن به بی طرفی تاریخی، بینش تاریخی را از مرزهای سنتی و رایج آن فراتر ببرد. او بر پایه منابع مکتوب و شفاهی و از همه مهمتر مشاهدات شخصی، اسناد و مدارک و نامه های معتبر به تألیف کتاب پرداخته است. افزون بر آنچه آمد، و صاف شیرازی تاریخ را به حکمت عملی نزدیک ساخته و آن را محملی برای انعکاس آن قرار داده است. چنانکه یکی از مهمترین فواید مطالعه علم تاریخ را بهره مندی حکومتگران از آن قرار داده است. از سوی دیگر بینش اجتماعی و صاف سبب روی کرد جدی او به مسائل اجتماعی، اقتصادی جامعه و محدود نکردن اثر خویش به یک اثر صرفاً سیاسی و نظامی شده است. چنانچه اثر او مجموعه ای از اطلاعات اجتماعی، اقتصادی، مالی و دیوانی است.

کلید واژه : بینش تاریخنگاری، روش تاریخنگاری، و صاف شیرازی، ایلخانان.

فهرست مطالب

چکیده

مقدمه

فصل اول: مبانی پژوهش

- | | |
|---|--------------------------------|
| ۱ | ۱-۱- بیان مسأله |
| ۲ | ۲-۱- مفاهیم عملیاتی پژوهش |
| ۴ | ۳-۱- پرسش ها و فرضیه های پژوهش |
| ۶ | ۴-۱- هدف و ضرورت پژوهش |
| ۸ | ۵-۱- روش پژوهش |
| ۹ | ۶-۱- پیشینه پژوهش |

فصل دوم: وصاف شیرازی؛ زندگی و تاریخ

- | | |
|----|------------------------------------|
| ۱۲ | ۱-۲- مروری برزندگینامه وصاف شیرازی |
| ۱۵ | ۲-۲- آثار وصاف شیرازی |
| ۱۹ | ۲-۳- گرایش های مذهبی وصاف شیرازی |

فصل سوم: بیش معرفت شناسانه در تاریخنگاری وصاف

۳۴	۱-۳- چستی تاریخ
۳۹	۲-۳- فایده و هدف تاریخ
۴۲	۳-۳- و صاف شیرازی و روش شناسی تاریخی
۵۴	۴-۳- انتظارات از تاریخ و تاریخنگاری
فصل چهارم: بینش شریعتمدارانه در تاریخنگاری و صاف	
۶۰	۱-۴- بینش هستی شناسانه
۷۱	۱-۱-۴- مشیت گرایی در تفکر و صاف شیرازی
۸۶	۲-۱-۴- روی کرد خردگرایانه و صاف شیرازی در تحلیل تاریخ
۹۷	۲-۴- مصادیق بینش شریعتمدارانه در تاریخنگاری و صاف
۹۷	۱-۲-۴- ممالیک مصر
۱۱۳	۲-۲-۴- یهودیان
۱۱۸	۳-۲-۴- اسماعیلیان
فصل پنجم: بینش هویت گرایانه در تاریخنگاری و صاف شیرازی	
۱۲۳	۱-۵- شاخصه های هویت ایرانی در تفکر و صاف شیرازی
۱۲۳	۱-۱-۵- گذشته مشترک تاریخی
۱۲۸	۲-۱-۵- پیوندهای مشترک اعتقادی
۱۳۰	۳-۱-۵- سرزمین واحد ، ایران و بازنمایی آن در تاریخ و صاف
۱۳۲	۴-۱-۵- میراث فکری مشترک (اندیشه ایرانشهری)
۱۳۲	۱-۴-۱-۵- اندیشه شاهی ایران باستان و بازتاب آن در تاریخ و صاف
۱۴۲	۱-۴-۱-۵- نهاد وزارت، بستر تداوم اندیشه ایرانشهری و چگونگی بازتاب آن در تاریخ و صاف

فصل ششم: بینش علی، نگرش انتقادی در تاریخنگاری و صاف

۱۷۴ ۶-۱- حوزه سیاست و عملکرد حکمرانان مغولی و عاملان حکومتی

۲۰۳ ۶-۲- حوزه موضوع های اجتماعی، علمی و فرهنگی

فصل هفتم: بینش اجتماعی در تاریخنگاری و صاف

۲۱۸ ۷-۱- مسائل اجتماعی

۲۲۸ ۷-۲- قیام ها و جنبش های ضد حکومتی

۲۳۲ ۷-۳- مسائل اقتصادی

فصل هشتم: تاریخنگاری و صاف شیرازی

۲۴۹ ۸-۱- محتوا، مضامین و شکل شناسی اثر و صاف

۲۵۴ ۸-۲- منابع اطلاعاتی مورخ

۲۵۸ ۸-۳- اهمیت و ویژگی های تاریخنگاری و صاف شیرازی

۲۶۱ ۸-۴- نثر و شیوه ی نگارش

۲۷۰ نتایج پژوهش

۲۷۷ فهرست مأخذ

مقدمه

یورش مغولان به سرزمین‌های اسلامی رخدادهای بسیار مهمی را هم در تاریخ ملت‌های مغلوب و هم در تاریخ قوم مغول رقم زد. کشتار وسیع و بی‌شمار مردمان، ویرانی سهمناک شهرها و روستاهای آباد که از پر رونق‌ترین مراکز زندگی اجتماعی، اقتصادی و تمدنی در آن روزگار به‌شمار می‌آمد، از منظر مغلوبان، برغم تأسف باری، در خور ثبت و انتقال به حافظه‌ی تاریخ بود. رخدادهایی چون براندازی حکومت خوارزمشاهیان، تسخیر قلاع اسماعیلیه و از میدان به‌در کردن این قدرت سیاسی - نظامی دیرپا، از میان بردن نهاد خلافت اسلامی و نماد آن خلافت عباسی و بنیاد نهادن چندین قلمرو حکومتی از جمله حکومت ایلخانی نیز از منظر قوم غالب، رخدادهایی بود که باید ثبت و ماندگار می‌شد. از زاویه‌ای دیگر، هم مغولان به ثبت اخبار گذشتگان و بقای نام خویش دلبستگی فراوان داشتند و هم در میان ایرانیان زمینه‌ها و شرائط مهیا بود، از سویی، ایرانیان در تاریخ و ادب از سستی غنی برخوردار بودند که آخرین حلقه‌های تکامل خود را می‌پیمود، از دیگر سو، در همین سنت تاریخی و ادبی، ادیبان مورخی چون عظاملک جوینی و وصاف‌الحضره شیرازی و دیوانسالاران مورخی چون رشیدالدین فضل‌الله همدانی و حمدالله مستوفی قزوینی به عرصه رسیدند. در کنار این عوامل، باید به برخی از نتایج سودمند هجوم مغولان هم اشاره کرد: برقراری حاکمیت سیاسی یکپارچه‌ای از چین تا

سواحل مدیترانه، راه برقراری ارتباطات و مبادلات فرهنگی میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف و متنوع این قلمرو را هموار کرده بود و آمیختگی سنت‌های فرهنگی نیز از عوامل اثرگذار در رشد تاریخنگاری این دوران به‌شمار می‌آید.

بر پایه‌ی زمینه‌های یاد شده، دوران حاکمیت مغولان در ایران را باید یکی از مهم‌ترین ادوار رشد و تکوین تاریخنگاری ایرانی دانست و عبدالله بن فضل‌الله شیرازی، مشهور به وصاف الحضرة با اثر تاریخی خود با عنوان تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار، مشهور به تاریخ وصاف، یکی از مهم‌ترین حلقه‌ها و نمونه‌های این رشد و تکامل است. علی‌رغم ارزش محتوایی کم‌نظیر، این کتاب در هاله‌ای از ناشناختگی باقی مانده و حتی در تحقیقات جدید کمتر بدان توجه شده است. (برای نمونه نک: دالوند (۱۳۸۲)؛ فیفر (۱۳۸۶)؛ هندی (۱۳۸۰) و سلماسی زاده (۱۳۷۸)) نگارنده این سطور با عنایت به وجود چنین خلأئی، به خود جرأت داده تا به موضوع یاد شده توجه کرده و گامی در جهت شناخت بیشتر آن بردارد.

بی تردید در چنین پژوهشی، عمده‌ترین مشکل در دسترس نبودن این اثر است و این کتاب به شکل نسخه خطی است که در سال ۱۲۶۹ هـ در بمبئی به همت ایرانیان مقیم هند به صورت چاپ سنگی منتشر شده و در آبان سال ۱۳۳۸ ش در تهران افست گردید. بدین منظور، پس از مطالعه و بررسی نسخه‌های متعدد، نسخه به خط علی تبریزی انتخاب شد. این نسخه به دستور محمد نصیر پسر رضی‌الدین محمد حسینی از روی نسخه‌یی که حاشیه‌های آن به خامه نگارنده (وصاف) بوده نوشته شده است. بنابراین از یک سوی خط زیبای این نسخه و مطالعه راحت آن و از سوی دیگر نزدیک بودن آن به نسخه تألیفی توسط مؤلف، زیرا مؤلف آن را مورد بازبینی قرار داده و بر حاشیه‌های آن به قلم خود مطلب نوشته است، موجب انتخاب آن گردید. این نسخه با افست چاپ سنگی مطابقت داده شد و پس از اطمینان از عدم تفاوت میان آنها، افست این کتاب مبنای کار قرار گرفت.

پس از گذشت چندی مطلع شدم، پایان‌نامه‌هایی در خصوص شرح لغات و اصطلاحات تاریخ و صاف در دانشگاه بین‌المللی امام‌خمينی تهیه شده و متن جلد یک تا سه و قسمتی از جلد چهارم تاریخ و صاف را نیز بازنویسی کرده است. بنابراین، اقدام پژوهشگران ادبیات، در کاسته شدن سختی کار به کمک آمد که لازم است از تمامی عزیزانی که در تهیه آن تلاش کرده و آن را در اختیار این پژوهش قرار دادند، تشکر کنم.

شایان ذکر است که با توجه به سختی و پیچیدگی کار و محدود بودن فرصت پژوهش، بیشترین توان آن، صرف شناخت بینش تاریخی مؤلف و بازتاب آن در تاریخنگاری و روش تاریخنگاری وی گردید تا بدین وسیله شناخت صحیحی نسبت به آن حاصل آید. بنابراین، گذشته از مواردی که تاریخنگاری مؤلف با سایر مورخین عصر ایلخانی، مقایسه گردیده، این اقدام مهم به پژوهش‌های بعدی سپرده شده است. بدیهی است، گام برداشتن در راهی که کمتر پیموده شده، خالی از دشواری و کاستی نیست. امید است از یک‌سو بزرگان علم و اندیشه، کاستی آن را به دیده اغماض نگریسته و بر آن قلم عفو کشند و از دیگرسو این کوشش کوچک گامی برای آغاز حرکتی بزرگ در گشودن قفل‌های بسته‌ی بی‌مهری جامعه علمی به این اثر و ایجاد ترغیب و انگیزه بیشتر جهت توجه، تعمق و تحقیق درباره‌ی آن باشد.

پژوهش حاضر در شش فصل تنظیم شده است: فصل نخست این نوشتار به موضوع مبانی پژوهش می‌پردازد، محورهای اصلی این فصل، طرح سؤال‌ها متغیرها، فرضیه‌ها، ضرورت و پیشینه پژوهش است. متغیر اصلی پژوهش، روش تاریخنگاری عبدالله بن فضل‌الله شیرازی و متغیر مستقل آن، بینش تاریخی و صاف شیرازی است که برای توضیح و تحلیل آن پنج فصل به آن اختصاص داده شده است. آنچه سؤال اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد، بینش تاریخ و صاف شیرازی بر روش تاریخنگاری وی چه تأثیری داشته است.

درفصل دوم با عنوان بینش معرفت شناسانه عبدالله شیرازی، بر مقوله شناخت و تحلیل دیدگاه‌های معرفت شناسانه مؤلف درباره مبانی علم تاریخ و تأثیر آن در روش تاریخنگاری وی تأکید شده است. در شناخت بینش یاد شده، از یکسو شناخت و تحلیل نگرش مؤلف نسبت به چیستی تاریخ، فایده و هدف تاریخ و از سوی دیگر ملاحظات روش شناختی وی دارای اهمیت است.

وصاف به علم بودن تاریخ باور داشته و روش تاریخنگاری خویش را بر دو اصل تعلیل و انتقاد بر پایه بی‌طرفی تاریخی استوار ساخته است. بدین سان از یک واقعه نگاری محض فاصله گرفته و بینش تاریخ را از مرزهای سنتی و رایج آن فراتر برده است.

بینش شریعتمدارانه وصاف شیرازی، عنوان سومین فصل این پژوهش است. در پژوهش‌های تاریخی، هدف شناخت منظری که مؤلف از فراسوی آن، رویداد را دیده، فهم کرده و به قلم آورده است. از جمله اندیشه‌های اثرگذار در این باره دیدگاه‌های اعتقادی نویسنده است. این نوشتار می‌کوشد با شناخت دیدگاه‌های هستی‌شناسانه نویسنده بازتاب آن را در محتوای تاریخنگاری وی جستجو کرده و از سوی دیگر تأثیر آن را در روش تاریخنگاری او تبیین و تحلیل کند. در باره این بینش، پرسش‌های زیر قابل طرح است. از دیدگاه وصاف چه عاملی تاریخ را به جلو می‌برد؟ آیا از نظر او همچون بسیاری از مورخان جهان اسلام، مشیت الهی راه برنده تاریخ است؟ آیا آنکه او توانسته بینش تاریخی خود را تا حدودی از سیطره تفکر مشیت‌گرایی رهایی بخشد؟ از سوی دیگر تأثیر بینش یاد شده در روش تاریخنگاری او، در تحلیل عملکرد ممالیک مصر، یهودیان، اسماعیلیان چگونه است؟

چهارمین فصل این پژوهش به تحلیل و تبیین بینش هویت‌گرایانه مؤلف می‌پردازد و سعی دارد، نشان دهد سهم مؤلف در احیا و بازسازی هویت ایرانی چگونه است. بنابراین پژوهش فوق، حاصل کوشش برای پاسخ به پرسش‌هایی چون: رابطه تاریخنگاری وصاف با بینش هویت‌گرایانه چیست؟ در این بینش جایگاه اندیشه ایران‌شهری چگونه تبیین شده و ابزار مؤلف در تحقق آن کدام است؟ آنچه حاصل این بینش است آنکه بینش هویت‌گرایانه وصاف موجب رویکرد وی به تقویت و تداوم هویت

ایرانی ، و نزدیک ساختن تاریخ به حکمت عملی شده و آن را محملی برای انعکاس آن قرار داده است، چنانکه یکی از مهم‌ترین فواید مطالعه علم تاریخ را بهره‌مندی حکومت‌گران از آن دانسته است.

فصل پنجم نیز به بینش علی و نگرش انتقادی بر پایه بی طرفی تاریخی مؤلف و اثرگذاری آن در روش تاریخنگاری وی می‌پردازد. بینش علی به معنای تعمق در علت‌ها و انگیزه‌های حوادث و وقایع تاریخی است. آنچه پرسش این فصل است آنکه آیا وصاف شیرازی می‌کوشد روند رویدادهای را با توجه به اصل علیت تبیین کند. از دیدگاه او شناخت در تاریخ، حاصل درک علل و اسباب وقایع است؟ نگرش انتقادی در چه سطح و ابعادی در اثر وصاف قابل بازشناسی است؟ آیا در نقد او بی‌طرفی و صداقت عالمانه دیده می‌شود و علل مؤثر در اتخاذ این رویکرد از سوی مؤلف چیست؟ آیا تاریخنگاری وصاف به سبب بهره‌گیری از بینش یاد شده از دیگر آثار هم عصر خود متمایز گردیده است؟

فصل ششم نیز به بینش اجتماعی مؤلف و چگونگی بازتاب آن در تاریخنگاری وی می‌پردازد. رویکرد اجتماعی نویسنده به تاریخ و پرداختن به مباحث اجتماعی و اقتصادی و ارائه تصویر روشن از وضعیت اجتماعی زمانه خود سبب تمایز تاریخنگاری وی از بسیاری آثار تاریخی دیگر شده است. این رویکرد در مقابل رویکرد سیاسی به تاریخ قرار دارد. در رویکرد یاد شده، تمام توجه مورخ به رأس هرم قدرت سیاسی یعنی سلطان و عوامل او معطوف است. از این دیدگاه، تاریخ ثبت و ضبط و تحلیل امور مربوط به سلطان و دولتمردان سیاسی است. به عبارت دیگر به دلیل محوریت موضوعات سیاسی و نظامی در آن، پدیده‌های اجتماعی مبنای نگارش تاریخ قرار نگرفته است. در نتیجه مباحث مربوط به مسائل اجتماعی در آنها کمتر دیده می‌شود. تاریخ وصاف از جمله منابع تاریخی است که بر محور بینش اجتماعی تدوین یافته است. بنابراین این پژوهش سعی دارد با نشان دادن چگونگی بازتاب بینش اجتماعی مؤلف در تاریخنگاری وی، تأثیر آن را در تبیین ماهیت علمی تاریخ از دیدگاه نویسنده بررسی کند. آنچه مفروض این نوشتار است، بینش اجتماعی سبب رویکرد جدی مؤلف به مسائل

اجتماعی، اقتصادی جامعه و محدود نکردن اثر خویش به یک اثر صرفاً سیاسی و نظامی شده است، بر این اساس او علم تاریخ را تلاش برای تعلیل و ریشه‌یابی ابعاد مختلف حیات اجتماعی انسان در بستر زمان دانسته و آن را از قید وقایع نگاری خشک سیاسی و نظامی رها کرده است. چنانکه اثر او مجموعه‌ای از اطلاعات اجتماعی، اقتصادی، مالی و دیوانی است.

Abstract:

The book "*Tajziah –al- Amsar*" and "*Tajziah – al – Asar*" known as Vassaf History compiled by Abdollah Shirazi entitled as "*Vassaf – al – Hazareh*" is one of the most important texts of Iranian historygraphy. This writing tries to research how to reflect historical insight in author historygraphy and analyze its effect on his historygraphy method by recognizing historical insight of the author in criteria such as ١)knowledge-based insight ٢)religion-based insight ٣)identity-based insight ٤)causal insight and critical attitude ٥)social insight. The following question is designed in order to meet this objective: what effect has historical insight of Vassaf had on historygraphy method? In response to this question , the following hypothesis is given: Historical insight of Vassaf influenced his his historygraphy method and led to using the causal and critical method based on historical impartiality and improved his history-writing from event-writing level to a level close to scientific history writing.

Vassaf believed the scientific historical knowledge, had a theme and method for it, and considered his historygraphy method based on two causal and critical approaches and tries to take historical insight beyond its widespread traditional frontiers by considering the historical impartiality. He has dealt with the book compilation by using oral and written resources and most importantly personal observations and valid documents and letters. In addition, Vassaf Shirazi made the history close to the practical philosophy and used history in order to reflect the practical philosophy so that he said that one of the most important benefits of history science study was its enjoyment by governors. On the other hand ,social insight of Vassaf led to his serious attitude towards social and economical problems of society and not to limit his work to a merely political and military work. Therefore his work is a set of social, economical, financial, and governmental informations.

Keywords: historygraphy viewpoint , historygraphy methodology , Vassaf Shirazi, Ilkhanids .



AL-Zahra University
Faculty of Literate, languages & History

Thesis Title
Viewpoint and Methodology of Vassafe Shirazi's
Historiography

Thesis Advisor
Dr. Mahdi Farhani Monfared

Thesis Counselors
Dr. Allahyar Khalatbari
Dr. Esmail Hasanzade

By
Mahboobeh Sharafi

July ۲۰۰۹

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

فصل اوّل

مبانی پژوهش

۱-۱- بیان مسأله

کتاب تجزیه‌الامصار و تجزیه‌الاعصار، مشهور به تاریخ و صاف، تألیف عبدالله شیرازی، ملقب به و صاف‌الحضره یکی از مهم‌ترین متون تاریخنگاری ایرانی است. این کتاب در پنج جلد تنظیم شده و وقایع سال‌های ۶۵۴ هـ.ق تا ۷۲۸ هـ.ق را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. نویسنده این کتاب از دیوانیان حکومتی عصر ایلخانی است. او نه تنها یک مورخ و ادیب، بلکه دانشمندی آگاه نسبت به بسیاری از علوم عقلی است. تاریخنگاری وی به سبب اشمال بر ویژگی‌هایی چون، گستردگی، فراوانی و تنوع اطلاعات، تعمق در علت‌ها و انگیزه‌های حوادث و وقایع تاریخی و تبیین روند رویدادها با توجه به اصل علیت، دخالت دادن بینش انتقادی در تحلیل و تبیین وقایع و حوادث تاریخی، رویکرد اجتماعی به تاریخ و پرداختن به مسائل اجتماعی، اقتصادی جامعه و محدود نکردن اثر خویش به یک اثر صرفاً سیاسی و نظامی، عدم حاکمیت مطلق اندیشه مشیت الهی در تاریخنگاری وی، عدم حاکمیت نگاه حکومتی به تاریخ

و غیر فرمایشی و دستوری بودن آن، جهان‌نگری و طرح مباحث ملل مختلف در قالبی نزدیک به تاریخ جهانی، نزدیک ساختن تاریخ به حکمت عملی با پرداختن به اندیشه سیاسی از اهمیت به سزایی برخوردار است.

این پژوهش به بررسی و تحلیل بینش و روش تاریخنگاری و صاف شیرازی می‌پردازد. بنابراین آنچه از نظر پژوهش فوق مسأله اصلی است، شناخت بینش تاریخی مؤلف از یک‌سو و چگونگی اثرگذاری آن در روش تاریخنگاری او، از سوی دیگر است. به سخن دیگر، تحلیل تأثیر و تعامل تاریخنگاری مورخ در تاریخنگاری وی، هدف این پژوهش است.

۱-۲- مفاهیم عملیاتی پژوهش

قبل از توضیح مهم ترین مفاهیم عملیاتی این پژوهش شایان ذکر است، مراد از بینش مورخ، زاویه دید اونسبت به تحولات تاریخی است که به کمک آن، رویدادها را تجزیه و تحلیل کرده و بر اساس آن به یک جمع بندی نایل آمده است. مراد از روش نیز شیوه ها و فنون به کار گرفته شده از سوی مورخ در نگارش، تبیین و تحلیل وقایع و رویدادهای تاریخی است.

بینش معرفت شناسانه: از جمله مهم ترین مولفه های بینش تاریخی و صاف شیرازی، بینش معرفت شناسانه او است. این نوشتار می کوشد دیدگاه های معرفت شناسانه مورخ را درباره اصول و مبانی علم تاریخ، تبیین کند. دیدگاه‌هایی که در حوزه شناخت و معرفی معرفت تاریخی در اثر و صاف می‌توان یافت و از چیستی تاریخ، فایده و هدف آن و ملاحظات روش شناختی دیگر سخن می‌راند در این زمره قرار می‌گیرد.

بیش شریعت مدارانه: دل‌بستگی و صاف به دین و سیطره‌ی این دل‌بستگی بر منظومه‌ی فکری او رویکردهایی را در بیش تاریخی و صاف پدید آورده است که ما از آن با عنوان بیش شریعت‌مدارانه یاد کرده‌ایم. در این مولفه، هدف آن است که با شناخت تعلقات و تمایلات دینی و مذهبی مورخ، نوع اثر گذاری آن را در تحلیل و تعلیل و سرانجام قضاوت های وی باز جسته و اثر گذاری آن را در روش تاریخنگاری وی تبیین و تحلیل کنیم. از جمله آن که دیدگاه های شریعت مدارانه مورخ سبب نگرش مشیت محور از سوی او به تاریخ شده است؟

بیش هویت گرایانه: منظور از بیش هویت گرایانه، دیدگاه های مورخ در خصوص هویت ایرانی است که مهم ترین عناصر سازنده آن در منظومه اندیشگی او، عبارت از؛ گذشته مشترک تاریخی، پیوندهای مشترک اعتقادی، سرزمین واحد و اندیشه ایران شهری است.

اندیشه ایرانشهری یکی از عوامل تداوم حیات سیاسی و فرهنگی ایران زمین به شمار می رود که همان ایده ها و الگوهای کشورداری حکومت ساسانی است. رکن اصلی اندیشه ایرانشهری که از جایگاه معنوی و ویژه‌ای در جهان‌بینی اعتقادی و آرمان‌گرایی سیاسی جامعه ایرانی برخوردار است، نهاد شاهی یا شهریاری است که بر پایه عناصری چون فره ایزدی یا همان الهی بودن خاستگاه شهریاری و همراهی و هم‌بستگی دین و سیاست و عدالت گستری و دادگری استوار است. مهم ترین بسترهای تداوم اندیشه ایرانشهری در منظومه فکری مورخ نهاد وزارت و نظام اخلاق سیاسی برپایه اندرزنامه نویسی است؛ بدین معنا که دو مولفه یاد شده از طریق فراهم کردن اندیشه های پشتیبانی کننده، الگوی اندیشه ایرانشهری را شکل می دهد .

بینش علی و نگرش انتقادی: از دیگر مولفه های سازنده بینش تاریخی مورخ، بینش علی و نگرش انتقادی او در تحلیل تاریخ است. منظور از بینش علی مورخ، تعمق او در علت ها، ریشه ها و انگیزه های حوادث و وقایع تاریخی است. چنانکه و صاف شیرازی می گوید روند رویدادها را با توجه به اصل علیت تبیین کند. مراد از نگرش انتقادی، رویکرد انتقادی، تحلیلی مورخ در بررسی ناکارآمدی ساختارها، عمل کردها و رفتارهای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی صاحبان قدرت، اعم از سلطان و سایر عوامل حکومتی، به منظور ارائه الگوی مطلوب و تحقق آن و گاه برای اعلان اعتراض و مخالفت خود نسبت به اعمال ظالمانه و ویرانگرانه آنان و ثبت و ضبط آن برای آیندگان است.

بینش اجتماعی: مراد از بینش اجتماعی محوریت داشتن موضوعات اجتماعی، در کنار موضوعات سیاسی و نظامی از سوی مورخ در نگارش و تحلیل تاریخ است. بدین معنا که مورخ تنها در پی ثبت و ضبط رویدادهای سیاسی و نظامی نیست، بلکه آگاهانه می گوید تاریخ جامعی براساس تمامی جنبه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بنویسد. در تاریخنگاری با رویکرد اجتماعی، مورخ، در کنار نقش سلطان و عوامل او، به جامعه، مردم و وضعیت آن اهمیت داده و دامنه توجه او از تاریخ سیاسی و نظامی فراتر رفته و تاریخ اجتماعی و اقتصادی جامعه را در بر می گیرد.

۱-۳- پرسش ها و فرضیه های پژوهش

سؤال اصلی: بینش تاریخی و صاف شیرازی بر روش تاریخنگاری او چه تاثیری داشته

است؟

سؤال‌های فرعی:

۱- بینش معرفت‌شناسانه و صاف شیرازی بر روش تاریخنگاری وی چه تاثیری داشته است؟

۲- بینش شریعتمدارانه و صاف شیرازی بر روش تاریخنگاری وی چه تاثیری داشته است؟

۳- بینش هویت‌گرایانه و صاف شیرازی چه ارتباطی با تاریخنگاری وی دارد؟

۴- بینش علی و نگرش انتقادی و صاف بر روش تاریخنگاری وی چه تاثیری داشته است؟

۵- بینش اجتماعی و صاف شیرازی با تاریخنگاری وی چه ارتباطی دارد؟

فرضیه اصلی:

بینش تاریخی و صاف بر روش تاریخنگاری او تأثیر داشته و سبب اتخاذ روش علی انتقادی بر پایه بیطرفی تاریخی از سوی وی شده و تاریخنگاری او را از واقعه‌نگاری به سطحی نزدیک به تاریخنگاری علمی ارتقا داده است.

فرضیه‌های فرعی:

۱- بینش معرفت‌شناسانه و صاف شیرازی در باره مبانی علم تاریخ به سبب باور وی به

علم بودن معرفت تاریخی و اتخاذ روش علی، انتقادی بر پایه بی‌طرفی تاریخی شده است.

۲-۱- بینش شریعتمدارانه و صاف در مسأله مشیت‌گرایی سبب کم‌رنگ شدن ساحت

فرازمینی و مشیت‌الهی در نگاه به تحولات تاریخی در اثر وی شده است.